

غنا، موسیقی و رقص در اسلام (کتاب)

نویسنده: مجتبی خواجهوند عابدینی، مصطفی علیخانی
چکیده

غنا، موسیقی و رقص در اسلام کتابی در حوزه موسیقی نوشته مرتضی چیت‌سازیان و مزده کرمی است. در این اثر غنا و موسیقی در یک بخش و رقص در بخش دیگری از کتاب از نظر فقهی بررسی شده است. در این اثر ماهیت و تاریخچه موضوعات کتاب با بهره‌گیری از منابع فقهی، تاریخی و تفسیری تبیین شده، ادله حرمت آنها بررسی می‌شود.

به نظر نویسنده، غنایی که در شریعت از آن نهی شده، همان غنای لغوی است مشروط به آنکه لهو، باطل و از مصادیق قول زور باشد و با فقدان یکی از این شرایط، غنا حلال خواهد بود. همچنین اگر چه رقص فی‌الجمله حرام است، ولی نمی‌توان به حرمت همه اقسام آن (حتی رقص زن برای شوهر خود) فتوا داد.

تفصیل برخی مباحث کمارتباط یا بی‌ارتباط با بحث فقهی، بررسی ناقص احکام موسیقی، ساختار نامناسب و پراکنده‌گویی، تغییر دیدگاه‌ها در بخش‌های مختلف کتاب، و اشکالات ویراستاری از ایرادات کتاب به شمار می‌رود.

معرفی اجمالی و انتقادی کتاب

غنا، موسیقی و رقص در اسلام اثر مرتضی چیت‌سازیان و مزده کرمی، در حوزه موسیقی از نظر اسلام است. مرتضی چیت‌سازیان مدیر گروه فقه و حقوق دانشگاه قرآن و حدیث است و کتاب حقوق مالکیت‌های فکری از دیگر کتاب‌های او در فقه معاصر به شمار می‌آید. به ادعای چیت‌سازیان در این اثر تلاش شده، مسئله غنا، موسیقی و رقص با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان، بررسی شوند (ص ۴). ابتلای افراد زیادی از جامعه به مسئله غنا و موسیقی، انگیزه نویسنده از تألیف این کتاب بوده است (ص ۱۵).

ساختار کتاب

مباحث این کتاب در دو بخش سامان یافته است. در بخش اول غنا و موسیقی و در بخش دوم رقص از نظر فقهی بررسی می‌شود. بخش اول اثر چیت‌سازیان و بخش دوم اثر هر دو نویسنده است. این دو بخش، فاقد هرگونه اشتراک (مگر تلازم عرفی این دو موضوع با هم) است؛ نه در استدلال‌های فقهی و نه در موضوع به یکدیگر وابسته نیستند و قابلیت مجزا شدن دارند. بخش اول، چهار فصل دارد: ماهیت غنا و موسیقی، تاریخچه آنها، حکم غنا و خاتمه. بخش دوم نیز مشتمل بر شش فصل است: پیشینه رقص، انواع رقص، دلایل حرمت، رقص و هنر نمایش، حکم آموزش رقص و نتیجه مباحث.

زیاده‌نویسی و ساختار نامنسجم

کتاب ویراستاری ادبی نشده است؛ رعایت نشدن دستور زبان فارسی معیار، خوانش جملات و حتی فهم برخی عبارت‌ها را دشوار کرده است. نویسنده بحث‌های مفصلی درباره تاریخ غنا و موسیقی (ص ۵۶-۸۸)، تاریخچه رقص (ص ۱۹۳-۲۰۸)، و رابطه رقص با هنرهای نمایشی (ص ۲۷۱-۲۸۶) بیان نموده، اما ارتباط آن‌ها را با بحث فقهی حکم غنا و موسیقی

روشن نکرده است. از سوی دیگر در بحث موسیقی، تنها حکم خرید و فروش آلات موسیقی در دو صفحه بیان شده (ص ۱۶۴-۱۶۵) و اصل مسئله موسیقی و مسائل دیگر مربوط به آن بررسی نشده است.

کتاب فاقد ساختار مناسب و منسجم و گرفتار تکرار است. بحث غنا و موسیقی همراه هم بحث شده و نویسنده گاه از غنا و گاهی از موسیقی سخن می‌گوید. و با اینکه فصل مستقلی برای مفهوم‌شناسی و حقیقت غنا در نظر گرفته، اما در بحث بررسی دلالت آیات قرآن و نیز بحث دلالت روایات بر حرمت غنا دوباره به این بحث ورود کرده است.

نویسنده آنگاه که شاخص‌هایی را برای شناختن مصداق غنا ارائه داده، غنای در قرائت قرآن را ممکن و آن را یکی از موارد غنای حرام دانسته است (ص ۱۳۳)، اما در جای دیگر، مراثنی و خواندن قرآن را موضوعاً از بحث غنا خارج دانسته است (ص ۱۵۶-۱۵۷).

مفهوم‌شناسی غنا

معنای لغوی و اصطلاحی غنا در فصل اول از بخش نخست بررسی شده است. به باور چیت‌سازیان، با مشخص شدن ماهیت غنا، حکم غنا روشن می‌شود، اما از آنجا که تعریف‌های مختلفی از غنا ارائه شده، مهم‌ترین مشکل برای شناخت حکم غنا، تعیین مفهوم و مصداق غنا است (ص ۲۳). او پس از ذکر معنای لغوی غنا، معنای اصطلاحی آن را از کتب فقهی نقل و بررسی می‌کند. نویسنده اختلاف فقیهان در مصادیق غنا را نشأت‌گرفته از اختلاف آنان در تبیین مفهوم، و اختلاف آنان در مفهوم غنا را نشأت‌گرفته از اختلاف لغوی‌ها دانسته است (ص ۳۵).

نویسنده در ادامه دیدگاه‌های شیخ انصاری، محمدرضا اصفهانی (آل‌الشیخ) و امام خمینی در تعریف غنا را به تفصیل بررسی کرده، در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که مفهوم اصطلاحی غنا در شریعت اسلام اخص از معنای لغوی است. به گفته او غنایی که در شریعت از آن نهی شده، همان غنای لغوی است مشروط به آنکه لهو، باطل و از مصادیق قول زور باشد (ص ۳۷-۴۹). با این حال او تفسیر خود از معنای لهو، لغو و قول زور را توضیح نداده است. نویسنده در این کتاب از محمدرضا اصفهانی با عنوان استاد یاد کرده و اشکال‌هایی از امام خمینی بر او را نقل کرده است (ص ۴۴)؛ با توجه به عدم تناسب زمانی بین این افراد، به نظر می‌رسد این بخش از کتاب، از مقاله یا کتاب دیگری کپی شده است.

چیت‌سازیان در مبحثی دیگر به دخالت‌داشتن یا نداشتن محتوای غنا در حقیقت غنا پرداخته است. او در این مسئله که آیا غنا از مقوله کیفیت صوت است یا آنکه محتوا و کلمات در حقیقت غنا تأثیر دارد، پاسخ به این سؤال را از نظر علمی بی‌اهمیت دانسته، تنها ملاک مسئله را تطبیق لهو، لغو و قول زور، بر غنا معرفی کرده است (ص ۱۰۹).

چیت‌سازیان در ادامه تاریخچه غنا و موسیقی را به صورت نسبتاً طولانی بیان کرده، اما ارتباط آن را با بحث فقهی مشخص نکرده است (ص ۵۶-۸۸).

شاخص‌هایی برای شناختن غنا

به گفته مؤلف، مفهوم و مصداق غنا به درستی در روایات روشن نشده است (ص ۱۳۲). با این حال او در سطور بعد، با استفاده از آیات و روایات مصداق غنای حرام را غنایی دانسته که یکی از شرایط ذیل را داشته باشد:

آوازی که دارای ارزش و آثار صحیح نباشد، چه مشتمل بر کلام باشد یا نباشد و چه آن کلام باطل باشد یا نباشد (حتی آیات قرآن).
خواندن مطالب لَهوی، لغوی، باطل و شهوانی حتی با آوازی معمولی یا با صدای خشن.
خواندن غنا و آوازی که انسان را به اهل فسوق و گناه شبیه کند (نظیر تشبیه به کفار).
صدایی که انسان را از یاد خدا غافل کند.
آوازی که با معصیت همراه باشد، مانند آوازخواندن زن در حضور مردان (ص ۱۳۳-۱۳۴).
نویسنده در بخش مربوط به مستثنیات حرمت غنا، مواردی (از جمله خواندن غنا در مجالس عروسی) را از حرمت غنا استثنا کرده است (ص ۱۵۴-۱۶۰).

بررسی ادله حرمت غنا

در فصل سوم از بخش نخست، ادله حرمت غنا بررسی شده است. نویسنده پیش از بررسی ادله، دو دیدگاه کلی علمای مذاهب اسلامی را درباره غنا بیان کرده است. به گفته او، برخی علمای اهل سنت غنا را به خودی خود مباح و تنها به دلیل عوامل خارجی آن را حرام یا مکروه دانسته‌اند. در مقابل، گروهی دیگر (از جمله علمای شیعه) غنا را در هر شرایطی حرام و حرمت آن را ذاتی غنا دانسته‌اند (ص ۹۰). چیت‌سازیان ادله قائلان حرمت غنا را به صورت ذیل برشمرده است:

اجماع
اجماع، یکی از دلایل‌هایی است که قائلان به حرمت غنا به آن استناد کرده‌اند. نویسنده با ذکر اقوال مخالف در این مسئله و نیز با مدرکی دانستن این اجماع، این دلیل را نپذیرفته است. همچنین او معتقد است، اجماع تنها در صورتی حجت است که کاشف از رأی معصوم باشد، اما در این مورد، کاشفیت اجماع روشن نیست (ص ۹۰-۹۲).

آیات

به گفته نویسنده برای اثبات حرمت غنا به آیه ۳۰ سوره حج، آیه ۵ سوره لقمان، آیه ۳ سوره مؤمنون، آیه ۷۲ سوره فرقان، آیه ۶۴ سوره اسرا و آیات ۵۷ تا ۶۱ سوره نجم استدلال شده است. از آنجا که در هیچ‌یک از آیه‌ها، واژه غنا به کار نرفته است، مؤلف استناد به آیات را به تنهایی کافی ندانسته، معتقد است، برای روشن شدن معنای این آیه‌ها، باید روایاتی را که درباره اینها وارد شده، بررسی کرد (ص ۹۲-۹۵).

او پس از بررسی روایات تفسیری، استدلال به آنها را ناکافی دانسته، بر این باور است، تنها در صورتی می‌توان به این روایات استدلال کرد که گفته شود در روایات، مفهوم لَهو اطلاق دارد و کیفیت صوتی را هم شامل می‌شود (ص ۱۰۵). این در حالی است که نویسنده، کیفیت صوت یا محتوای لَهوی را بی‌ارتباط به مسئله غنا دانسته، تنها معیار در این مسئله را، تطبیق لَهو، لغو و قول زور بر غنا معرفی کرده است (ص ۱۰۹).

روایات

چیت‌سازیان مهم‌ترین دلیل حرمت غنا را روایات دانسته، معتقد است، احادیث بر حرمت غنا تواتر اجمالی و معنوی دارند. با این حال او در صدد بررسی برخی روایت‌ها بر آمده، تا آنها را هم از نظر سند و همه از نظر دلالت بررسی کند (ص ۱۱۱). نویسنده در این بخش، به ترجمه روایات در متن و به بررسی اجمالی سند روایت در پاورقی بسنده کرده است. او در بررسی سندها از تعبیر کلی (مانند: «حسین خوب است»)، مبهم (مانند: «راجع به عنبه، بعضی حرف دارند») و نامفهوم («عنهم یعنی همگی مورد تأیید هستند. جمعاً یعنی سند متصل است) استفاده کرده است (ص ۱۲۱-۱۲۸).

نویسنده در بررسی روایات، برخی احادیث مربوط به اصل غنا و نیز روایات مربوط به اجرت و بیع مُغَنّی و مُغَنّیه را بررسی می‌کند. او در جمع‌بندی روایات دسته اول، غنا را از آن جهت که لَهو و باطل است، حرام دانسته است (ص ۱۱۹). وی در بررسی دسته دوم روایات نیز اجرت و بیع مُغَنّی و مُغَنّیه را حرام دانسته و با تنظیم بیع مُغَنّیه به بیع سگِ هِراش، بین حرام‌بودن بیع مُغَنّیه و حرمت اصل غنا ملازمه برقرار کرده است (ص ۱۲۱-۱۲۲). اما در این نوشتار چگونگی این ملازمه را بیان نمی‌شود. چیت‌سازیان پس از رد روایات معارض (ص ۱۲۵-۱۲۸)، از ادله‌ای که بر جواز غنا اقامه شده، پاسخ می‌دهد (ص ۱۴۴-۱۵۰).

حکم گوش‌دادن به غنا

یکی از مسائلی که در این کتاب بررسی شده، مسئله گوش‌دادن به غنا است. نویسنده ابتدا با طرح این سؤال که آیا گوش‌دادن به غنا حرام است یا مکروه، به بررسی روایات وارد شده می‌پردازد. او پس از بررسی چنین نتیجه می‌گیرد که بر اساس روایات، گوش‌دادن به غنا تنها صفت ناپسندی را در انسان ایجاد می‌کند، اما حرمت گوش‌دادن به غنا از این روایات قابل استفاده نیست (ص ۱۲۳-۱۲۴).

البته دیدگاه نویسنده در این موضوع چندان روشن نیست؛ زیرا او در بخش دیگری از کتاب معتقد است، گوش‌دادن به غنایی که از تلویزیون و مانند آن پخش می‌شود، حرام است (ص ۱۶۲). همچنین او در بخش دیگری در گوش‌دادن به مواردی که غنا بودن آنها مشکوک است، تأسیس اصل کرده، اصل را بر جایز بودن شنیدن آواز مشکوک قرار می‌دهد (ص ۱۶۰-۱۶۱).

ادله حرمت رقص

در بخش دوم کتاب، احکام مربوط به رقص بررسی شده است. حجم زیادی از این بخش به بررسی تاریخچه رقص و انواع آن اختصاص یافته است (ص ۱۹۳-۲۳۵)، اما نویسندگان ارتباط این مباحث را با احکام فقهی مشخص نکرده‌اند. در فصل سوم این بخش، ادله حرمت رقص بررسی شده است.

آیات

در این نوشتار آیات مختلفی که ممکن است برای حرمت رقص به آنها استناد شود، بررسی شده است؛ از جمله آنها می‌توان به آیه ۳۷ سوره اسراء، آیه ۶۳ سوره فرقان و آیه ۱۹ سوره لقمان اشاره کرد. به گفته نویسندگان، در هیچ آیه‌ای به صورت صریح به رقص اشاره نشده است و محتوای آیات یادشده، تنها بر لزوم پرهیز از لَهو تأکید شده است، ولی دلیلی وجود ندارد که هر لَهوی حرام دانسته شود (ص ۲۳۷-۲۴۹).

روایات
به گفته نویسندگان، در مجامع روایی تنها یک روایت وجود دارد که در آن به صورت مستقیم
به مسئله رقص اشاره و از آن نهی شده است. با بررسی این روایت، و نیز روایات دیگری
که به صورت ضمنی به رقص اشاره شده، این نتیجه به دست آمده است که نمی‌توان تمام
اقسام رقص (مانند رقص زن برای همسر) را حرام دانست، هرچند برخی اقسام آن (مانند
رقص‌های شهوت‌انگیز) نیز قطعاً حرام‌اند (ص ۲۴۹-۲۵۷).

